

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

اصطلاحات عرفانی، اشارات و تلمیحات در دیوان فیض کاشانی

استاد (ساتید) راهنما:
دکتر احمد رضا کیخا فرزانه

استاد مشاور:
دکتر مریم شعبانزاده

تحقیق و نگارش:
شهناز نیک بخت

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

دی 1390

الف

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان اصطلاحات عرفانی، اشارات و تلمیحات در دیوان فیض کاشانی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو شهناز نیکبخت با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر احمدرضا کیخا فرزانه تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

شهناز نیکبخت

امضاء

این پایان نامه واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

احمدرضا کیخا فرزانه

استاد راهنما:

استاد راهنما:

مریم شعبانزاده

استاد مشاور:

داور 1:

داور 2:

نماینده تحصیلات تکمیلی:



دانشگاه بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب شهناز نیکبخت تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

شهناز نیکبخت

امضاء

تقدیم به:

همه‌ی انسان‌های آزاده و سرافراز

به ویژه ایثارگران هشت سال دفاع مقدس و

خانواده‌ی معظم شهدا

سپاسگزاری

ای در هوای وصل تو گسترده جان ها بال ها تو در دل ما بوده ای در جستجو ما سال ها سپاس و ستایش پروردگار عالمیان را که در سایه ی الطاف بیکران خویش توانایی انجام این پژوهش را عنایت فرمود.

بخشنده‌ای که سابقه ی فضل و رحمتش ما را به حسن عاقبت امیدوار کرد
صفیر بلبلان علامت توحید و تحمید اوست و نفیر قمریان نمونه ی تسبیح و تمجید او،
توحیدگوی او نه بنی آدمند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
و درود بیکران بر پیامبر نور و رحمت، حضرت ختمی مرتبت. آنگاه که از ارزش معلم سخن به میان می آید
معیار های سنجش سر تسلیم فرود آورده و قلم نیز جرأت پرواز در این حریم را به خود نمی دهد. لیکن به مصداق
«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بر خود لازم می دانم از زحمات بی شائبه و راهنمایی های ارزنده استاد
بزرگوارم جناب آقای دکتر احمدرضا کیخا فرزانه که همواره خضر راهم بودند کمال امتنان و تشکر را بنمایم.
بدیهی است این پایان نامه با روشنگری و مساعدت ایشان رنگ وجود یافته است.

همچنین از استاد ارجمند سرکار خانم دکتر مریم شعبانزاده که به عنوان استاد مشاور قبول زحمت فرموده و
با نظرات موشکافانه خویش در انجام این مهم یاری نمودند نهایت سپاسگزاری را دارم.

نیز از استادان معظم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان به مصداق «من علمنی حرفا
فقد صیرنی عبدا» که در طول مراحل تحصیل خوشه چین خرمن اندیشه و دانایی آنان بودم صمیمانه تقدیر و
تشکر می کنم.

همچنین از ریاست محترم و کتابداران کتابخانه ی دانشکده ی ادبیات عالی ترین درجات سپاسگزاری را دارم.
و سپاس بی پایان نثار وجود فرزند نازنین و عزیزم که با صبر و تحمل فراوانشان همراهی ام کردند. در پایان از
همسر عزیز و مهربانم که در طول تحصیل همراه، هم گام و بهترین تکیه گاهم بوده اند کمال تشکر و سپاس را
دارم و از درگاه ایزد منان برای همه ی این عزیزان توفیق روزافزون را در تمامی مراحل زندگی خواستارم.

چکیده:

مهمترین بخش ذهنیت، افق یا پشتوانه فرهنگی هر شاعر و نویسنده ای را وسعت و کیفیت «اصطلاحات، اشارات و تلمیحات» او تشکیل می دهد. استفاده از اصطلاحات، اشارات و تلمیحات، نشانه وسعت اطلاعات و غنای فرهنگی شاعر است و بر لطف و عمق شعر می افزاید.

فیض کاشانی، از فیلسوفان و عارفان شیعه مذهب اوایل قرن 11 هجری، دیدگاه های خود را در زمینه های گوناگون به ویژه عرفان، از طریق سرودن اشعاری دلنشین بیان کرده است. او به عنوان یکی از غواصان دریای ژرف سخن از مرواریدهای رخشان معانی قرآنی و مضامین روایی در تزیین و ترصیع سخن خویش بهره جسته است. و اصطلاحات عرفانی، اخلاقی، نجومی و ... در دیوان وی به وفور یافت می شود.

این پایان نامه بر اساس دیوان فیض کاشانی به تصحیح دکتر محمد پیمان تنظیم و در چهار فصل ارائه شده است: فصل اول، مقدمه و فصل دوم تلمیحات قرآنی و احادیث و روایات است که فیض در نظم ابیات خود به آنها اشاره نموده است. فصل سوم شامل: اصطلاحات اخلاقی، عرفانی، مذهبی، کلامی، فلسفی، منطقی، موسیقایی و نجومی است. فصل چهارم مربوط به اعلام اشخاص و مکان ها است که نگارنده به معرفی و توضیح آنها با ذکر شواهد و مصادیق شعری پرداخته است.

کلمات کلیدی: فیض کاشانی، دیوان فیض، اشاره، تلمیح، اصطلاح، آیات و احادیث، اصطلاحات، اعلام.

فهرست مطالب

1	فصل اول: کلیات.....
2	1-1. مقدمه
4	2-1. بیان مسأله و سؤالات تحقیق
4	3-1. پیشینه تحقیق
5	4-1. حدود تحقیق
5	5-1. اهداف تحقیق
5	6-1. فرضیه های تحقیق
5	7-1. روش کار
7	8-1. تعاریف
11	9-1. مختصری از شرح احوال و آثار فیض کاشانی
14	فصل دوم: آیات و احادیث.....
15	2- 1. آیات
110	2- 2. احادیث
121	فصل سوم اصطلاحات.....
122	3-1. اصطلاحات اخلاقی، عرفانی و مذهبی
181	3-2. اصطلاحات کلامی، فلسفی و منطقی
196	3- 3. اصطلاحات موسیقایی
200	3- 4. اصطلاحات نجومی
210	فصل چهارم: اعلام.....
211	4- 1. اعلام اشخاص
211	4- 1- 1. اعلام اشخاص اساطیری
214	4- 1- 2. اعلام اشخاص حامی - سامی
228	4- 1- 3. اعلام اشخاص تاریخی
237	4- 2. اعلام غیر اشخاص
237	4- 2- 1. اعلام مکان ها
243	4- 2- 2. اعلام حیوانات
245	4- 2- 3. اعلام متفرقه
252	نتیجه گیری.....
254	منابع و مأخذ
264	پیوست ها
264	الف. فهرست آیات
272	ب. فهرست احادیث

274.....	ج. فهرست اصطلاحات اخلاقی، عرفانی و مذهبی
277.....	د. فهرست اصطلاحات کلامی، فلسفی و منطقی
277.....	ه. فهرست اصطلاحات موسیقایی
278.....	و. اصطلاحات نجومی
278.....	ز. فهرست اعلام اشخاص و مکان ها
279.....	ح. فهرست اعلام حیوانات
279.....	ط. فهرست اعلام متفرقه

فهرست علائم و نشانه های اختصاری

نشانه های اختصاری	معانی و معانی	نشانه های اختصاری	معانی و معانی
بی تا	بدون تاریخ	(ع)	علیه السلام
ج	جلد	ن.ک	نگاه کنید
(س)	سلام الله علیه (علیها)	ه.ش	هجری شمسی
(ص)	صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ	ه.ق	هجری قمری

فصل اول

کلیات

1-1. مقدمه

بشر در طول حیاتش، همواره از وسیله ای برای برقراری ارتباط استفاده می کرده است، تا بتواند پیام خود را به دیگران برساند. زبان چون نهادی از جامعه بشری است، پس همیشه از خصلت های جوامع بشری پیروی می کند. زبان و فرهنگ چون با موجود زنده ای به نام انسان در تعامل است خصلت زنده بودن و تغییر یافتن را اکتساب می کنند. این تغییرات به طور مختصر عبارتند از: 1. تغییر واژگان 2. متروک شدن یک واژه به طور کامل 3. تحول در مولفه های معنایی یک واژه.

در ایران نیز، تحولات زبان و تغییر خط فارسی، در صدر اسلام، تأثیر زیادی در فرهنگ نویسی داشت. محمد معین در مقدمه فرهنگ خود می نویسد "شواهدی در دست است که از اواسط قرن پنجم هجری تلاش هایی در امر فرهنگ نویسی به زبان نوین فارسی انجام گرفته"، او در این مورد از «رساله» ابوحفص سغدی و ... نام می برد. قدیمی ترین فرهنگ موجود زبان فارسی «لغت فرس» اسدی طوسی مربوط به قرن پنجم هجری است. از قرن هشتم هجری به بعد شاهد ظهور فرهنگ های فارسی متعدد دیگری هستیم که فقط به ذکر نام بعضی از آنها بسنده می شود: صحاح الفرس (728ق.)، مجمع الفرس (1008)، فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع (1062)، فرهنگ نفیسی (1344)، و مانند آن. از جامع ترین فرهنگ های فارسی باید به لغت نامه دهخدا تألیف علی اکبر دهخدا اشاره کرد. همچنین از فرهنگ های جامع یک زبانه می توان به فرهنگ معین (6 جلد، 1342) و فرهنگ بزرگ سخن (8 جلد، 1381) اشاره نمود.

فرهنگ نویسی در طول زمان و بسته به وسایل و امکانات ارتباطی تحولات گوناگونی را گذرانده است. کتاب هایی که در آغاز شکل گیری خط و زبان جدید فارسی (دری) ترجمه شده بیشتر واژگان آنها پارسی بود و جز لغات اصطلاحی که ناگزیر به صورت عربی عیناً نقل می شد اکثر الفاظ به فارسی نوشته می شد که نمونه های آن ترجمه تاریخ طبری (موسوم به تاریخ بلعمی) و ترجمه تفسیر طبری و حدود العالم و نظایر آنهاست. در قرن های چهارم و پنجم این اهتمام به پارسی نویسی ادامه داشت که در اغلب کتب این دوران، این حالت بخوبی مشهود است. اما از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم که عرفان و تصوف در شعر و نثر فارسی گسترش یافت و تعداد

نویسندگان و شاعران صوفی و عارف رو به ازدیاد نهادند، ورود لغات عربی به زبان فارسی افزایش یافت، زیرا عرفان، زبان رمز و راز و کنایات و اصطلاحات عرفانی بود، و چون لغات و اصطلاحات از کتب عرفانی عربی به فارسی می آمد معمولاً اصطلاح را چه دینی، علمی و یا عرفانی به آسانی نمی توان معادل سازی کرد. اصطلاحات عرفانی نیز همچون اصطلاحات دینی و مذهبی در زبان فارسی شیوع یافت.

برای اینکه فرهنگی شامل تمام لغات و اصطلاحات به کار رفته در متون ادبی خلق شود نیاز به فرهنگ های تخصصی است تا از مجموع آنها، یک فرهنگ جامع و کامل تهیه و تدوین شود و راهگشای محققان در زمینه زمینه های مختلف باشد. گرچه فرهنگ های تخصصی بزرگی مانند فرهنگ اصطلاحات عرفانی، فرهنگ لغات، اصطلاحات و تعبيرات عرفانی فرهنگ اشارات، فرهنگ تلمیحات، فرهنگ اصطلاحات اداری و دیوانی و... به سلک تدوین درآمده است اما تا رسیدن به وضعیت مطلوب هنوز راه نرفته بسیار است.

در دوران معاصر دیگر "فرهنگ" تنها مجموعه ای از لغات گردآوری و مرتب شده نیست، بلکه مجموعه ای است از هزاران نکته آشکار و پنهان در مورد معانی، ساخت و کاربرد واژگان زبان، و معرفی آنها از جنبه های مختلف به شیوه ای که در جامعه و در موقعیت های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی، و ادبی کاربرد دارد. استفاده از فرهنگ لغات، امروز تنها برای معنی شناسی به کار نمی رود، بلکه معانی ثانوی و کنایی را نیز در بر می گیرد.

پایان نامه ی حاضر، نیز کوششی است اندک مایه به صورت فرهنگ تحلیلی بر دیوان فیض کاشانی که امید است راهگشای جامعه دانشگاهی، پژوهشگران و علاقه مندان به این شاعر گرانقدر باشد.

2-1. بیان مسأله و سؤالات تحقیق

عرفان، تلمیح و اشاره که از عناصر معنی آفرین است، اشاراتی است که به بخشی از دانسته های تاریخی، اساطیری، فرهنگی و ادبی خواننده مربوط می شود و از آنجا که در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند نوعی لذت تداعی و نوعی موسیقی معنوی ایجاد می کند.

سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

1. فایده تلمیح، اشاره و اصطلاح عرفانی چیست؟
2. انواع تلمیح و اشاره و اصطلاح کدامند؟ تفات تلمیح و اشاره و اصطلاح در چیست؟
3. تناوب تلمیح و اشاره و اصطلاحات عرفانی در کتب بلاغی چگونه است؟
4. اصطلاحات عرفانی، تلمیحات و اشارات در دیوان فیض کاشانی به چه صورت است؟ و چه کمکی به متن کتاب و سایر متون نظم و نثر فارسی می کند؟

3-1. پیشینه تحقیق

از بزرگان علم و ادب گذشته در زمینه ی فرهنگ های تخصصی آثار زیادی باقی مانده است به طوری که هم اکنون فرهنگ های اصطلاحات زیادی در این زمینه وجود دارد که در آنها به صورت کلی به این مهم پرداخته اند و ضروری است که به طور خاص و جداگانه پرداختن به اصطلاحات عرفانی و اشارات و تلمیحات در آثار هرکدام از شاعران و نویسندگان مورد توجه قرار گیرد و بسامد آیات و اخبار و باورهای عامه و اساطیری و عرفانی در هر دیوانی مشخص شود.

در ایران مطالعات چندانی در باب آثار فیض کاشانی انجام نگرفته است و از حد تصحیح دیوان و چند مقاله درباره وی تجاوز نمی کند. تاکنون دیوان اشعار این شاعر به صورت موضوعی خاص با عنوان «شرح اصطلاحات عرفانی، اشارات و تلمیحات در دیوان فیض کاشانی» مورد نقد، بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

4-1. حدود تحقیق

بدیهی است که بخش عمده ای از التذاذ ادبی در گرو فهم اصطلاحات، اشارات و تلمیحات یک اثر ادبی است. لذا خوانندگان با دسترسی به منابعی که واژه های عرفانی، اشارات و تلمیحات در آن گردآوری شده است می توانند به درک بهتری از آن اثر دست یابند و از طرفی این گونه بررسی ها به کسانی که درباره آداب و رسوم اجتماعی تحقیق می کنند نیز کمک می کند.

5-1. اهداف تحقیق

استخراج واژه های عرفانی، اشارات و تلمیحات و تحلیل و بررسی آن ها نیز تعیین میزان استفاده از فیض از اصطلاحات، اشارات و تلمیحات برای انتقال مفاهیم و اندیشه های عرفانی اش هدف این رساله بوده است.

6-1. فرضیه های تحقیق

گستره وسیعی از اشارات و تلمیحات در دیوان فیض کاشانی را اشارات قرآنی، روایی و قصص پیامبران به خود اختصاص داده است.

با توجه به مشرب عرفانی فیض، اصطلاحات عرفانی در میان سایر اصطلاحات از بسامد بالایی برخوردار است. عقاید، باورها، قصص، اصطلاحات و تعبیر اساطیری و نیز اصطلاحات عرفانی هر یک بخشی از اشارات و تلمیحات را در دیوان فیض به خود اختصاص داده اند.

7-1. روش کار

در این رساله روش تحقیق مطالعه ی کتابخانه ای و تحلیل محتوا بوده است. گردآوری و تنظیم این رساله در سه مرحله انجام پذیرفت در مرحله ی اول پس از چند بار مطالعه دیوان فیض کار فیش برداری آغاز شد که حدود شش ماه به طول انجامید. در این مدت تمامی مواردی که به نظر می رسید در مقوله ی تلمیحات، اشارات و اصطلاحات قرار می گیرد از متن استخراج و ابیات شاهد با شماره ی صفحه مشخص گردید. لازم به یادآوری است که تنظیم این رساله بر اساس دیوان فیض کاشانی به تصحیح دکتر محمد پیمان صورت گرفته است. در مرحله دوم توضیحات موارد استخراج شده از منابع مختلف گردآوری شد که در این مرحله کمبود منابع و مآخذ از جمله

مشکلات اصلی بود. اما تا آنجا که مقدور بود تلاش شد تا مطالب مستند، مورد وثوق و معتبر باشد. برای ترجمه ی آیات قرآنی ترجمه کشف الاسرار و غده الابرار رشیدالدین میبیدی مورد نظر بوده است و در مورد احادیث و رجال نیز تلاش شده است تا از منابع معتبر روایی استفاده شود. در موارد مربوط به اصطلاحات و اعلام نیز فرهنگ های تخصصی هر قسمت معیار کار بوده است. در مرحله سوم، تدوین و تنظیم فصول و بخش های مختلف رساله و تایپ و صفحه آرایی و ارجاعات و پاورقی ها و آماده سازی پایان نامه برای دفاع صورت پذیرفت.

8-1. تعاریف

اشاره:

«در لغت به معنی نمودن به دست و چشم و یا ابرو و جز آن است، و در اصطلاح ادیبان عبارت از این است که گوینده یا نویسنده در الفاظ اندک معانی بسیار ایراد کند و کلام او حاکی از کنایه و رمز باشد و با وجود اختصار برای شنونده چیزهای زیادی را بیان نماید و شرط در آن ایما و اختصار و ترک تفسیر است.» (حلبی، 1377: 43)

«اشاره یا ایما: و آن کنایه ای است غیر تعریفیه که وسائط آن قلیل، و لزوم معنی در آن واضح باشد یعنی انتقال از ملزوم بلزوم بسهولت انجام گیرد.» (رجائی، 1359: 323)

انواع اشاره:

1. تفخیم: «یعنی بزرگ گردانیدن موضوعی است که از آن سخن می گویند مانند این دو آیه که: «الْقَارِعَةُ، مَا الْقَارِعَةُ» (قارعه/1 و 2) یعنی کوبنده چه کوبنده در این الفاظ اندک خدای بزرگ عظمت و هیبت روز قیامت را بیان می کند و با همین کلمات اندک که دو آیه را تشکیل می دهد، ذهن شنوندگان و خوانندگان را آماده می کند تا به خود آیند و از عذاب دردناک روز قیامت و حسابرسی دقیق آن بهراسند.» (حلبی، 1377: 44)
2. ایما: «اشاره جزیی کردن و بدون تفسیر رها کردن موضوع تا خود خواننده به فهم اهمیت و عظمت آن همت گمارد ... و نظیر آن در محاورات مردم این است که یکی از ما مثلاً درباره ی علی نام به دیگری گوید «اگر علی را می دیدی...» که در آن حذف اختصار است و اشاره به معنای بسیار، یعنی «در صف کارزار نبودی و علی را ندید که در آن جا چه شجاعتی نشان داد و نسبت به مغلوبان و اسیران چه کرامتی نمود و همه را به حیرت فرو برد و به تحسین واداشت و...» (همان: 45)

اصطلاح:

«آنچه در عرف اهل علوم و فنون، اصطلاح خواننده می شود، واژه ها و تعبیر خاصی است که برای افاده ی معنایی خاص وضع شده، یا در اثر کثرت استعمال در هر علم و فن، به تدریج معانی خاص از آن اراده شده و حالت اصطلاحی یافته است.» (سجادی، 1379: 1)

«واژه ی اصطلاح از ریشه ی صلح به معنی سازش و قرارداد بر سر مفاهیمی مفصل با نامی مختصر در هر رشته یا گرایشی از علوم بین علاقمندان و اهل آن فن است و وقتی به کار برده شود مدلول به تمامی در ذهن شنونده یا خواننده تجسم می یابد.» (کیخا فرزانه، 1380: 199)

اقتباس:

«اقتباس در اصل لغت به معنی پرتو نور و فروغ گرفتن است و در اصطلاح ادب آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال.» (شریعت، 1370: 20) مرحوم همایی در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی درباره اقتباس گفته است: «در اصطلاح اهل ادب، آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند.» (همایی، 1367: 386) «فرق اقتباس و تلمیح در این است که تلمیح در ضمن کلام اشارتی لطیف به آیه ی قرآن یا حدیث و مثل سایر یا داستان و شعری معروف کرده و عین آن را نیاورده باشد. اما در اقتباس شرط است که عین عبارت مورد نظر، یا قسمتی از آن را که حاکی و دلیل بر تمام جمله ی اقتباس شده باشد بیاورند.» (همان: 389) «هرگاه آیه ای از قرآن کریم یا حدیثی را به طور کامل یا با اندک تغییری در شعر بیاورند، آن را اقتباس خوانند.» (صادقیان، 1388: 153)

تلمیح:

در فرهنگ های فارسی درباره تلمیح چنین آمده است: «نمودن و آشکار کردن»، «نگاه سبک کردن به سوی چیزی» و «اشاره کردن به چیزی» (دهخدا، 1373: ذیل تلمیح) و در اصطلاح علم بدیع «اشارت کردن در کلام به قصه یا آوردن اصطلاحات نجوم و موسیقی و غیره، یا در کلام خود آوردن آیات قرآن مجید یا احادیث، امثله، آوردن قصه... اشاره کردن به قصه یا شعر در فحوای کلام بدون تصریح. نزد بلغاء عبارت است از اینکه در اثناء سخن به سوی افسانه ای یا شعری یا مثلی سائر اشارتی رود بی آنکه از کیفیات مشارالیها ذکر ی به میان آورند. پس اقسام تلمیح بر شش وجه باشد زیرا تلمیح یا در اثناء سخن منثور آورند و یا در ضمن گفتار منظوم و درهیک از این دو گونه یا اشاره به افسانه و یا اشاره به شعر و یا اشاره به مثل سائر کنند... آن است که الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت کند و لمح، جستن برق باشد و لمحہ یک نظر بود و چون شاعر چنان سازد که الفاظ اندک او بر معانی بسیار

دلالت کند آن را تلمیح خوانند و آن صنعت به نزدیک بلغا پسندیده تر از اطناب است و معنی بلاغت آن است که آنچه در ضمیر باشد به لفظی اندک بی آنکه به تمام معنی آن اخلاقی راه یابد بیان کند و در آنچه به بسط سخن احتیاج افتد از قدر حاجت درنگذارد و به حد ملال نرساند...» (همان)

تلمیح در اصطلاح بدیع از جمله آرایه های درونی است که به موجب آن در خلال سخن به آیه ای شریف و حدیثی معروف یا داستان و واقعه یا مثل و شعری مشهور چنان اشاره شود که کلام با الفاظی اندک بر معانی بسیار دلالت کند. شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم در تعریف تلمیح آورده است که: «آنست کی الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت کند و لمح جستن برق باشد و لمحّه یک نظر بود. و چون شاعر خیال سازد کی الفاظ اندک [او] بر معانی بسیار دلالت کند آن را تلمیح خوانند و این صنعت به نزدیک بلغا پسندیده تر از اطناب است.» (رازی، 1360: 377) همچنین واعظ کاشفی سبزواری معتقد است: که «تلمیح، در لغت نمک بسیار در طعام کردن است؛ و در اصطلاح آن است که شاعر مثلی ملیح، در کلام خود، ایراد کند؛ و بعضی متأخران بر آنند که این را تلمیح گویند، به تقدیم لام بر میم؛ و تلمیح در لغت درخشیدن باشد؛ پس به جهت ظهور مثل و وضوح او این صنعت را تلمیح گفتند.» (واعظ کاشفی سبزواری، 1369: 121) رادویانی در کتاب ترجمان البلاغه، تلمیح را اینگونه تعریف می کند: «تلمیح و آن عبارتست از آنکه یک بیت یا بیشتر بتازی گویند و یکی یا بیشتر بپارسی.» (رادویانی، 1386: 49)

دیگر تعاریف تلمیح در کتاب های بلاغی در ذیل ذکر می گردد، که تمام آنها نظری واحد را ارائه می دهند:

شمس العلما گرکانی در کتاب ابداع البدایع چنین می نویسد: «آن است که متکلم در نظم یا نثر اشاره نماید به قصه ای معروف یا مثلی مشهور، به طوری که معنی مقصود را قوت دهد و گاه به شعری اشاره نماید.» (گرکانی، 1377: 167) در تعریفی دیگر در باره ی تلمیح نوشته اند: «آن است که از فحوای کلام اشاره شود به شعری یا قصه ای یا مثل مشهوری بدون آنکه شعر یا قصه یا مثل مذکور شوند، خواه آن کلام نظم بوده باشد، یا نثر.» (مازندرانی، 1376: 389) استاد همایی می نویسد: «تلمیح یعنی به گوشه ی چشم اشاره کردن؛ و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستان یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.» (همایی، 1367: 328) محمد فشارکی در کتاب «نقد بدیع» تلمیح را اینگونه تعریف کرده است: «در لغت، نمودن و آشکار کردن و اشاره کردن به چیزی است و در اصطلاح آن است که اشاراتی ضمنی به گذشته های دور، اساطیر و داستان های معروف و زبانزد در

شعر بکند. آوردن امثال و آیات و احادیث هم می تواند مشمول تعریف تلمیح گردد.» (فشارکی، 1387: 144) میر صادقی نیز معتقد است: «تلمیح به معنی با گوشه چشم اشاره کردن، آن است که شاعر یا نویسنده در اثر خود اشاره ای ضمنی و کوتاه به حادثه، شخص، اسطوره، داستان، ضرب المثل یا گفته معروفی بکند. تلمیح در اصطلاح بدیع از آرایه های درونی است و اشاره باید به گونه ای باشد که کلام با الفاظی اندک بر معانی بسیار دلالت کند.» (میرصادقی، 1377: 70)

این آرایه ی ادبی از دیر باز، نظر شاعران و نویسندگان ایرانی را به خود جلب نموده است. به خصوص با ظهور دین مبین اسلام، پیدایش فرهنگ اسلامی و نفوذش در بین مردم و لزوم گسترش تعالیم اسلامی با بهره گیری از زبان شعر و نثر که به حق تاثیر گذارتر است تا یک سخن عادی و به دور از لطافت ادبی. «کاربرد تلمیح در آثار شاعران و نویسندگان از اواخر قرن چهارم به بعد صورت می گیرد. اما در طی این دوران از تلمیح نیز در انواع موضوعات مختلف استفاده شده است. از جمله: تلمیحات اسلامی، تاریخی، ایرانی و اساطیری. که هر کدام در دوره ای خاص با توجه به شرایط اجتماعی - سیاسی رونق داشته است به عنوان مثال قبل از قرن پنجم تلمیحات در ایران در آثار شاعرانی چون رودکی و دقیقی در موضوعات اساطیر ایرانی (زرتشت و بزرجمهر و...) دیده می شود.» (شمیسا، 1373: 17) «و از اواخر قرن چهارم به بعد در کنار تلمیحات اساطیری - ایرانی، در آثار شعرا، شاهد توجه به مسائل اسلامی هستیم؛ مانند اشعار ابوحنیفه ی اسکافی.» (همان)

به هنگام حمله ترکان به ایران و نفوذ و حکمرانی شان تلمیحات غیر ایرانی نیز اندک اندک جای پای خود در میان آثار ادیبان می یابند. آن گونه که محمود غزنوی به دلیل ایرانی بودن شاهنامه ی حکیم ابوالقاسم فردوسی این اثر بزرگ ملی را نمی پذیرد. «از قرن ششم به بعد تلمیحات اسلامی دوران رواج خود را می گذرانند و ادبا به قصص قرآنی می پردازند. به گونه ای که در قرن هفتم اوج اعتلای تلمیحات اسلامی را در اثر بزرگ عارفانه ی مثنوی معنوی مولانا مشاهده می کنیم و در قرن هشتم شاعر پرآوازه ی ایران زمین - خواجه حافظ شیرازی - توجه تام به این نوع تلمیح دارد. و در قرن نهم... شاعران و ادبا به تبعیت از عهود قبل پرداخته، که کمتر ابداع و ابتکار در شعر آن ها دیده می شود. در نتیجه ادامه ی تلمیح در این قرن منوط به تلمیحات قرون قبل به خصوص قرون هفتم و هشتم است. در دوره ی بازگشت ادبی؛ تلمیحات اساطیری و اسلامی رواج دارد و در دوره ی نو، راه کاملاً جدایی نسبت به سایر دوران شعری آغاز می شود و آن کاربرد تلمیحات باستانی در شعر «نو» است.» (شمیسا، 1373: 22)